

آمدن ترامپ معادلات جدیدی را در علوم فضایی ایجاد خواهد کرد

# وقت تغییرات فضایی

# در چین و آمریکا؟

# فرهنگستان

**دانشگاه**

سه‌شنبه ۲۷ آذر ۱۴۰۶ | شماره ۴۳۰۶ | WWW.FDN.IR

## مقاومت

## در سوریه قوی‌تر

## از قبل خواهد شد

تحلیل شرایط امروز منطقه از نگاه

رئیس نهادنمابندگی مقام معظم رهبری

در دانشگاه‌ها



تحلیل شرایط امروز منطقه از نگاه رئیس نهادنمابندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها

## مقاومت در سوریه قوی‌تر از قبل خواهد شد

متن پیش‌رو مربوط به سخنرانی مصطفی رستمی، رئیس نهاد نمایندگی مقام معظم‌رهبری در جمع اساتید گروه معارف است که در روزهای اخیر ایراد شده و بخش‌هایی از آن به شکل مکتوب

در «فرهیختگان» منتشر می‌شود.

شرایط اخیر منطقه و موضوع سقوط نظام سیاسی سوریه و قدرت‌یابی گروه‌های معارض، به‌ویژه جریان تحریرالشام، ضرورت ایجاد گفت‌وگو و تبادل نظر را ایجاب می‌کند. عرایضم را با این آیه شریفه آغاز می‌کنم: «وَاللّٰهُ فَضَّلَ عَلٰی الْمُؤْمِنِيْنَ» «این عبارت از آیه ۱۵۲ سوره مبارکه آل‌عمران آغاز می‌شود و در انتهای آیه ۱۵۳ خداوند می‌فرماید: «فَأَتَيْنٰكُمْ غَمًّا بِغَمِّ لٰكِنَّا لَا تَحْزَنُوْا عَلٰی مَا فَاتَكُمْ وَلَا مَا أَصَابَكُمْ وَاللّٰهُ خَبِيْرٌ بِمَا تَعْمَلُوْنَ». در این آیات، پس از غزوه اُحُد و شکست اولیه‌ای که مسلمانان با آن مواجه شدند، پیامبر اکرم(ص) با حمایت‌های الهی و رهبری امیرالمؤمنین(ع)، جامعه مؤمنین را برای مقابله و آمادگی جهت حملات مجدد دشمنان هادایت کردند. قرآن کریم در این آیات به ما یادآور می‌شود که اگر حرکت برای خدا باشد، از دست دادن چیزی نباید موجب نگرانی شود.

امام خمینی (ره) نیز در مواجهه با سقوط خمرشهر و حوادث پس از آن، این نگاه توحیدی را تقویت کردند. روایت شده‌ است که ایشان پس از اطلاع از سقوط خمرشهر فرمودند: «جنگ است دیگر؛ جنگ بالا و پایین دارد.» «این نگاه توحیدی امام که خطاب به رزمندگان و تمام مؤمنین جامعه مقاومت بود، نقطه‌ای کلیدی در شکست‌ناپذیری گفتمان مقاومت به‌شمار می‌رود. در این مسیر، همان‌گونه که قرآن می‌فرماید: «قُلْ هَلْ يَّرْتَضُوْنَ يٰۤاِلٰهَآ اِذْجٰى اِلْحٰدِیْ اَلْحٰثِلِيْنَ» ما در مسیری قرار داریم که یکی از دو خوبی را پیش روی خود می‌بینیم؛ پیروزی در دنیا یا شهادت و لقاءالله، که هر دو در مسیر سعادت و فلاح است.

**بازخوانی حوادث اخیر و تحلیل مسیرپیش‌رو**

اتفاقات پی‌درپی اخیر در منطقه، ازجمله سقوط نظام سوریه، شهادت فرماندهان حزب‌الله ازجمله شهید سیدحسین نصرالله و شهید سنوار و برخی تحولات دیگر ایجاب می‌کند به تحلیل جزایی این حوادث، وضعیت کنونی و مسیری که در آینده پیش‌رو داریم، بپردازیم.
مقاومت و رهبری
مقاومت به‌عنوان محصول نامشروع نظام سلطه، توسط انگلستان تأسیس شد و با حمایت بی‌چون‌وچرای ایالات متحده ادامه یافت. شدت حمایت آمریکا از اسرائیل تا حدی است که حتی منافع داخلی این کشور نیز فدای اسرائیل می‌شود. آمریکایی‌ها با خیانت به دوستان و متحدان خود از جمله صدام، محمدرضا پهلوی، مبارک و دیگران، همواره اولویت خود را به اسرائیل داده‌اند.

در دهه‌های اخیر و با معرفی طرح «خاورمیانه جدید» شاهد تحولات عمیقی بوده‌ایم. این طرح که توسط آمریکا و با استفاده از تجربیات تاریخی معاهده سایکس‌پیکو و تقسیم خاورمیانه طراحی شده بود، اهدافی نظیر تضعیف کشورهای منطقه و تثبیت قدرت اسرائیل را دنبال می‌کرد. شاید در دهه‌های اخیر با شکل‌گیری مسائلی در منطقه، با موضوع «خاورمیانه جدید» آشنا شده‌باشیم.
مختصات خاورمیانه جدید چیست؟
آمریکایی‌ها –هم در دوران قبل از پدر بوش و هم در زمان بوش پسر– با صراحت از زبان رئیس‌جمهور، وزیر خارجه و دیگر مسئولان خود اعلام کردند خاورمیانه‌ای که پس از عهدنامه سایکس–پیکو میان فرانسه و انگلستان تقسیم شده بود، نیاز به بازنگری دارد. خطوط مرزی که اگر

اکنون روی نقشه نگاه کنید، مبتنی بر طول و عرض‌های جغرافیایی و بدون نسبتی با خطوط طبیعی، زبانی، قومی یا مذهبی شکل گرفته‌اند، محصول آن تقسیم‌بندی هستند. مرزهای مصر، لیبی، الجزایر، سودان، سوریه، عراق، عربستان، کویت و دیگر کشورها نمونه‌ای از این خطوطند. این خطوط مستقیم که بر اساس توافق میان فرانسه و انگلستان برای تقسیم سرزمین‌های فتح‌شده پس از فروپاشی امپراتوری عثمانی ترسیم شده‌اند، کشورهایی را پدید آورده‌اند که در پرتو آن‌ها اسرائیل، تحت قیمومت انگلستان در سرزمین فلسطین شکل گرفت. اسرائیل ابتدا با مهاجرت یهودیان اروپا و دیگر نقاط، مسلح کردن آن‌ها و فراهم‌سازی فرصت‌ها و نهایتاً با خروج ناگهانی انگلیس از فلسطین و بی‌قیم‌رها کردن آن سرزمین، به قدرت رسید. اسرائیل را توسعه دادند. به این ترتیب، سرزمینی به نام قتل‌عام و آوارگی‌ها، اسرائیل را توسعه دادند. به این ترتیب، سرزمینی به نام فلسطین اشغالی و رژیمی نامشروع به عنوان کشور اسرائیل تأسیس شد. در ابتدا اسرائیل به دلیل نگرانی از بقا، تمرکز خود را بر تثبیت موجودیت درون مرزهای فلسطین گذاشته بود و ادعاهای ارضی علیه کشورهای دیگر نظیر سوریه، مصر، لبنان و اردن نداشت. این رژیم در ابتدا مناطق عربی در فلسطین را در مرزهای ۱۹۴۷ و بعداً در مرزهای ۱۹۶۷ به رسمیت می‌شناخت. اما با درگیری‌های بیشتر با کشورهای عربی و خیانت انگلیسی‌ها و آمریکایی‌ها به کشورهای عربی، اسرائیل پیروزی‌های بزرگی کسب کرد و سرزمین‌هایی را اشغال کرد: صحرای سینا از مصر، کرانه باختری از اردن و بلندی‌های جولان از سوریه. سپس در ابتدای دهه ۱۹۸۰، جنوب لبنان را اشغال و حتی تا بیروت پیشروی کرد.

این مجموعه سرزمین‌هایی که از کشورهای همسایه فلسطین اشغالی گرفته شد، صهیونیست‌ها را به فکر توسعه‌طلبی و رسیدن به آرمان نهایی خود یعنی مالکیت قوم‌یهود بر سرسرزمین میان نیل و فرات انداخت. این آرمان شامل سرزمین‌های صحرای سینا، شرق رود نیل، فلسطین، اردن، ششرق عراق، جنوب غرب سوریه و شمال عربستان است که به عنوان «سرزمین موعود» یهودیان ادعا شده و حاکمیت آن در برنامه آن‌ها طراحی شده بود.

احساس صهیونیست‌ها بر این بود که فرصتی برای حکمرانی بر این سرزمین‌ها برای آن‌ها به وجود آمده‌ است. به همین دلیل شاهد دو جریان موازی بودیم: از یک‌سو، توسعه‌طلبی صهیونیست‌ها و عقب‌نشینی رژیم‌های همسایه فلسطین اشغالی و از سوی دیگر، شکل‌گیری جریان مقاومت که معادلات خاورمیانه را رقم زد.

**خاورمیانه جدید چه آورده‌ای برای غرب دارد؟**

مختصات خاورمیانه جدید چیست که اسرائیلی‌ها، آمریکایی‌ها و غربی‌ها به دنبال آنند؟ نخستین هدف، تغییر هندسه و مرزبندی کشورها متناسب با منافع ایالات متحده آمریکا و رژیم صهیونیستی است. این تغییر باید بقا و گسترش مرزهای اسرائیل را تضمین کند. به عبارت دیگر، مرزبندی جدید باید اسرائیل را از وضعیت محصور و بدون عمق استراتژیک خارج کند. همان‌طور که در یک‌سال‌وسسه‌ماه گذشته شاهد بودیم، از باریکه غزه، رزمندگان مقاومت حماس توانستند تا آن‌آویورا هدف قرار دهند و از شمال نیز، حزب‌الله لبنان مناطق جنوبی تل‌آویو و حتی کل فلسطین اشغالی را زیر ضرب قرار داده است. علاوه بر این، جمهوری اسلامی ایران نیز با حملات موشکی به سرزمین‌های اشغالی، عمق آسیب‌پذیری اسرائیل را نشان داده است.

رژیم صهیونیستی به دلیل محدودیت‌های جغرافیایی خود، یعنی عرض

کم و عمق استراتژیک پایین، به‌شدت آسیب‌پذیر است. بنابراین، تعریض این مناطق و ایجاد عمق استراتژیک، یکی از اهداف اصلی طرح خاورمیانه جدید به‌شمار می‌رود. از سوی دیگر، برای تحقق این هدف، باید دولت‌های مقتدر فعلی تضعیف شده و کشورهای موجود فرو بیاشند. فروپاشی کشورها مستلزم تضعیف ایدئولوژی‌های انسجام‌بخش هدف، و جایگزینی آن‌ها با نظام‌های فکری جدید استست که با سرمایه‌داری و لیبرالیسم غربی تضاد نداشته باشند. گفتمان‌هایی مانندبعثی، مارکسیستی و اسلامی که دارای ایدئولوژی‌های امنی هستند، تهدیدی برای منافع غرب و رژیم صهیونیستی محسوب می‌شوند. به همین دلیل، جریان مقاومت و تمام حرکت‌های اسلام‌گرا به‌صورت جدی هدف حملات غرب قرار گرفته‌اند.

**بازآرایی نظم منطقه‌ای بر مبنای قومیت و مذهب**

در فضای کنونی، بازآرایی نظم‌های جدید منطقه‌ای بر مبنای قومیت و مذهب در اولویت است. به‌عنوان مثال، در سوریه شاهد آتیم که سرزمین‌های تحت سلطه کردهای تحت حمایت آمریکا، به معارضه با ترکیه کشیده شده‌اند. مناطق حاصلخیز و نفتی شمال و شرق فرات اکنون در اختیار نیروهای کردی است و دولت سوریه حتی پس از سقوط داعش، اجازه ورود به این مناطق را ندارد. در جنوب سوریه نیز، علاوه بر جولان اشغالی، در بخش تحت کنترل سوریه، جریان دروزی‌ها تقویت شده و حتی ایده تشکیل یک کشور مستقل در میان آن‌ها مطرح شده است. به همین ترتیب، تقسیم‌بندی مناطق علوی‌نشین و عرب‌نشین در سوریه، نمایانگر برنامه‌هایی است که عملاً یک سوریه متحد را پایان‌یافته تلقی می‌کند. در عراق نیز طرح مشابهی اجرا شده است؛ به‌ویژه پس از برگزاری همه‌پرسی تجزیه‌به‌عراق توسط کردها و اعلام استقلال کردستان عراق، رژیم صهیونیستی نخستین دولتی بود که این استقلال را به رسمیت شناخت. این برنامه‌ها تنها به سوریه و عراق محدود نمی‌شوند؛ بلکه ترکیه، عربستان سعودی و حتی جمهوری اسلامی ایران نیز در این طرح‌ها هدف تجزیه و تضعیف قرار دارند. در ترکیه، جدا شدن مناطق کردنشین و علوی‌نشین، این کشور را به سمت درگیری‌های داخلی سوق خواهد داد. کشورهای منطقه نیز با بحران‌های مشابهی مواجه خواهند شد و این تجزیه‌ها، آن‌ها را به‌نظام‌های چندپاره و وابسته به قدرت‌های مسلط جهانی نظیر آمریکا، فرانسه، انگلیس و رژیم صهیونیستی تبدیل خواهد کرد.

هدف نهایی این طرح‌ها، تأمین اکثریتی منافع آمریکا و متحدان آن در منطقه است. منطقه آسیای جنوب غربی که به‌طور معمول از آن با عنوان خاورمیانه یاد می‌شود، به‌عنوان یکی از مناطق استراتژیک و حیاتی از نظر اقتصادی شناخته می‌شود؛ چراکه منابع انرژی آن نقشی کلیدی در نظام بین‌المللی اقتصاد جهانی ایفا می‌کنند. تسلط بر این منابع یکی از اولویت‌های اصلی ایالات متحده آمریکا و رژیم صهیونیستی است. به‌طور طبیعی، جلوگیری از گسترش نفوذ رقبای نظام سلطه جهانی، مانند قدرت‌های نوظهوری همچون چین، هند، برزیل و جمهوری اسلامی ایران و همچنین قدرت‌های سنتی مانند روسیه که به‌عنوان رقبای اصلی غرب محسوب می‌شوند، یکی از اهداف مهم در طرح‌های استراتژیک برای این منطقه به‌شمار می‌آید. این موضوع به‌ویژه در طرح‌هایی که در پی تسلط بر منطقه در آینده هستند، مورد توجه قرار می‌گیرد. با این ایده، طراحی جنگ در خاورمیانه از سوی اناق‌های جنگ ایالات متحده انجام می‌شود. وزیر دفاع آمریکا و ژنرال‌های بلندپایه این کشور پس از حملات ۱۱ سپتامبر، که در پی آن حملات، تصمیماتی در اتاق‌های

گفت‌وگوی «فرهیختگان»

با نویسنده کتاب «فساد دانشگاهی»:



## ۵ راهکار برای ارتقای

## سلامت دانشگاه

## ارائه‌کردم

خاورمیانه جدید و نظام سلطه است.

طبیعتاً در تمام سرزمین‌هایی که این‌ها به دنبال تغییر نقشه آن‌ها بودند، مقاومت متولد و تقویت شد. این موضوع گسترش‌یافتن مقاومت نکته‌ای است که باید حواسمان باشد. در یمن تا قبل از ورود سعودی‌ها و تجاوز آن‌ها که قصد داشتند حذاکثر دو هفته‌ای طومار یمن را در هم بینجند، انصارالله را به این قدرت نداشت.

هرجا آمریکایی‌ها با گذاشتند و هرجا اقدام به سلطه کردند، اتفاقاً مقاومت قوی‌تر شد. البته رنج‌ها، زحمات و تلاش‌های رزمندگان و مجاهدانی که این مسئله را رقم زدند، تلاشی که برای خدا انجام دادند و نصرت الهی را رقم زد، بی‌تردید در این زمینه تأثیرگذار بود. ولی این سنت است. این ائشان‌های که مقام‌معظم‌رهبری کردند که سقوط نظام سیاسی حلقه مقاومت در سوریه و به قدرت رسیدن گروه‌هایی که فعلاً معلوم نیست به کجا خواهد رسید و سرانجامشان چیست، آینده سوریه به کجا خواهد رسید، این به معنای پایان مقاومت نیست. اتفاقاً فرصت شکل‌گیری عمیق‌تر و مؤثرتر جریان مقاومت در درون سوریه فراهم شد و چه‌بسا جریان موجود در سوریه، علی‌رغم خدمات فراوانی که به جبهه مقاومت داشت، چه حمایت و دفاع از جمهوری اسلامی در زمان دفاع مقدس و چه حمایت از گروه‌های مقاومت فلسطینی و لبنانی بعد از دفاع مقدس، این‌ها خدمات نظام سیاسی سوریه بوده است. به همین دلیل، حمایت از این نظام را جمهوری اسلامی بر خودش لازم می‌دانست، زیرا حلقه مقاومت در مقابل طرح کلان استکباری و استعماری آمریکا و صهیونیست‌ها باید حفظ می‌شد و سوریه جزو این حلقه بود. این ارتباطی با نوع ارتباط حاکمان نظام سیاسی با مردم‌شان، دموکراتیک بودن یا حزبی بودن، بعثی بودن یا اسلام‌گرا بودن، مردم‌سالار بودن یا بنودن ندارد. این کشور در حلقه مقاومتی بود که باید منجر به اخراج آمریکایی‌ها از منطقه

و محور رژیم صهیونیستی می‌شد و سوریه در این مسیر گام برمی‌داشت. این اتفاق را بهرید کلان جمهوری اسلامی بود و این ارتباطی با همکاری عقیدتی ندارد. امروزه حمایت از فلسطین را ما آرمان خود می‌دانیم. از قبل از انقلاب اسلامی در ایران، حمایت از فلسطینی‌ها به‌عنوان یک محور رفتارندوم کردستان، طرح اسرانبلی–آمریکایی که علیه ایران، سوریه، ترکیه و عراق طراحی شده بود، توسط حاج قاسم سلمانی باطل شد. علی‌رغم وعده‌ای که به حاج قاسم داده بودند، رفتارندوم برگزار شد و سپس با اقدام حاج‌قاسم، ورود کرک از داخل عراق و بستن مرزها و ترکیه به ایران، خود کرده‌ها اعلام کردند که همه‌پرسی باطل است. نتیجه آن این بود که داعش از عراق اخراج شد و حشدالشعبی، که محصول حمله داعش به عراق بود، شکل گرفت. یک مجموعه چندده هزار نفره نیروی نظامی معتقد و ولایی که پای کار آن‌ها می‌باشد، محور اسرائیل و دفاع از سرزمین‌های اسلامی می‌بود و معتقد به مرجعیت در درون عراق شکل گرفت و جزو ارتش عراق شد. اکنون، دوجه دولت عراق باید این نیروها را تأمین کند. آمریکا به‌صورت مفتضحانه از افغانستان اخراج شد، داعش از سوریه محو شد، نه‌تنها در قلمرو بلکه در تفکر. و مقاومت در یمن مسلط شد و پیشرفتی پیدا کرد که عربستان مجبور به پذیرش آتش‌بس شد. قدرت مقاومت امروز به جایی رسیده که تردد کشتی‌ها از باب‌المندب ۴۰ درصد کاهش پیدا کرده و عملاً بنادر جنوبی اسرائیل که به دریای سرخ متصلند تعطیل شده‌اند.

ادامه در صفحه ۶

تصمیم‌گیری آمریکا اتخاذ می‌شود، مطرح کردند که ایالات متحده قصد دارد به هفت کشور حمله کند. جالب اینجاست که هیچ‌یک از این هفت کشور در حملات ۱۱ سپتامبر نقشی نداشته‌اند. فرماندهی و عوامل مرتبط با هواپیمای‌های ربه‌ده‌شده در آن حادثه و حملات به برج‌های دوقلو و کاخ سفید و پنتاگون، همگی از اتباع سعودی بودند. با وجود این، این طرح در اتاق‌های عملیات آمریکا طراحی شد. حتی اگر برخی معتقد باشند

این حملات توسط جریان‌های اسلام‌گرای سلفی همچون بن لادن و همراهان او برنام‌ریزی شده بود، باز هم تمامی آن‌ها سعودی بودند و هیچ تیمه‌ای از افغانستان، عراق، سومالی، سودان، لیبی، سوریه یا ایران در میان آن‌ها نبوده است. با این حال، تصمیم بر این شد که طرح خاورمیانه جدید در پی حملات ۱۱ سپتامبر به اجرا آید. شیمن پرز، یکی از شخصیت‌های برجسته اسرانبلی، در اظهارات خود درباره خاورمیانه جدید، نظریه‌ای مطرح کرد که یکی از علل عدم مدرن نشدن خاورمیانه در قرن بیست‌ویکم، وجود نگرش‌های بنیادگرایانه و نظام‌های سیاسی خاص و مرزبندی‌های کشوری پس از جنگ‌های جهانی اول و دوم بوده است. این مرزبندی‌ها عمدتاً توسط قدرت‌های استعماری فرانسه و انگلستان از طریق توافقات مشهور سایکس‌پیکو تعیین شدند. او معتقد است عدم تغییر این مرزها و وجود نظام‌های بنیادگرایانه در داخل این کشورها، مانع اصلی مدرنیته در خاورمیانه است.

برای آن‌ها در مرحله بعدی کار خاصی وجود نداشت، همان‌طور که اکنون نیز جزو برنامه‌هایشان است. بنیامین نتانیاهو سخنرانی معروفی دارد در مجلس اسرانبیل در سال ۲۰۰۶ که در آن رسماً بیان می‌کند که اسرائیل با چالش بقا در درون خود مواجه است و اعلام می‌کند که باید رویکرد رژیم اسرائیل نسبت به مقاومت تغییر کند و به جای مبارزه برای بقا، باید به‌سمت ضربه‌زدن به بازوهای مقاومت، یعنی ایران، اقدام کند. همچنین اعلام می‌کند که باید مرزهای ایران ناامن شود، اختلاف‌ها و نزاع‌های داخلی در ایران افزایش یابد، چهره‌های مهم سیاسی، علمی و نظامی ترور شوند و برنامه هسته‌ای ایران مهار گردد، با اجرای این اقدامات، به‌اصطلاح شرایط برای سقوط نظام جمهوری اسلامی فراهم می‌شود.

**نسبت ایران با خاورمیانه جدید چگونه تعریف می‌شود؟**
طبیعتاً جمهوری اسلامی ایران نیز در مواجهه با ایسن ایده از ابتدا ایستاد. همچنین برای دفاع از کیان سرزمین‌های اسلامی و جلوگیری از قدرت‌گیری اسرانبیل، از جریان مقاومت حمایت می‌کند. سیاست جمهوری اسلامی بر اساس مبانی اسلام سیاسی و آزادی‌خواهانه است. این سیاست از یک سو شامل دادن حق تعیین سرنوشت به ملت‌های این سرسرزمین‌ها می‌شود و از سوی دیگر به حمایت از جریان‌های مقاوم در برابر هر نوع استبداد می‌پردازد، خواه استبدادی که در درون سرزمین‌های اسلامی مانند اقداماتی که در زمان صدام حسین صورت می‌گرفت، باشد، یا سنتی که سعودی‌ها علیه سرزمین یمن اعمال می‌کردند، یا نزاع‌های استبدادی که از سوی نظام سلطه در منطقه تحمیل می‌شد. بنابراین، آن‌چه در مقابل طرح خاورمیانه جدید طراحی شد، نظریه مقاومت بود. به همین دلیل ششما می‌بینید که در عراق، حشدالشعبی بخشی از ارتش آن کشور تلقی می‌شود. در سوریه، تمام جریان‌های نظامی که در سوریه حضور دارند، چه گروه‌های مقاومت و چه حضور مستشاری جمهوری اسلامی در سوریه، در قالب دعوت و پذیرش و هماهنگی با نظام موجود در آن کشور شکل می‌گیرد و از تمامی جریان‌های سیاسی و گروه‌هایی که در این مسیر همراهند، حمایت می‌شود. در اینجا، خط‌بندی‌های مذهبی یا قومسی نباید اتفاق بیفتد. همان‌طور که از حزب‌الله حمایت می‌شود، از حماسه اهل سنت، از انصارالله زیدی و از غیرعرب‌های گروه‌های مقاومت در فاطمیون نیز باید حمایت شود. تمام جریان‌های مقاومت یک هویت مشترک دارند و هویت اسلامی مقاومت در مقابل